

The effect of patient handling training based on PRECEDE-PROCEED Model on musculoskeletal disorders among nursing assistants

Fatemeh Mohammadi Tavileh¹, Faramarz Gharagozlou^{1*}, Seyedeh Somayeh Kazemi², Akbar Barzegar¹

1. School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

2. Department of Public Health, School of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Received: 6 December 2022

Accepted for publication: 15 April 2023

[EPub a head of print-23 May 2023]

Payesh: 2023; 22(3): 289- 300

Abstract

Objective(s): One of the effective programs in the prevention of musculoskeletal disorders among nursing assistants is the use of educational interventions on patient handling. The aim of this study was evaluating the effect of patient handling training based on Precede-Proceed model on musculoskeletal disorders among nursing assistants.

Methods: This was a semi-experimental study conducted in 1401 on nurses working in a hospital in Kermanshah province, Iran. in the three stages before, one and three months after the intervention. The data collection tools included a demographic questionnaire, the Nordic questionnaire, the body map scale, a visual analog scale and a musculoskeletal disorders prevention behaviors questionnaire including items based on the Precede-Proceed model. Data analysis was done in SPSS software.

Results: In all 100 nurses were entered into the study (50 nurses per each group). Before the intervention, there was a significant difference in the rate and intensity of musculoskeletal disorders between the intervention and control groups only in some parts of the body, but after the intervention, there was a significant difference in the rate and intensity of the disorders between the two groups in all areas (P-value <0.05) indicating the improvement in intervention group. Before the intervention, there was no significant difference between the score of knowledge, attitude, self-efficacy, reinforcing and enabling factors and behavior in the intervention and control groups (P-value>0.05), but after intervention, these scores had significant differences between the two groups (P-value<0.05) showing improvements in the intervention group.

Conclusion: The patient handling training based on the Precede-Proceed model had a significant effect in reducing the rate and severity of musculoskeletal disorders. Conducting more studies on a larger sample is recommended.

Keywords: Precede-Proceed model, patient handling, musculoskeletal disorders, education, nursing assistants.

* Corresponding author: School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
E-mail: gharagozlouf@yahoo.com

بررسی تأثیر آموزش حمل بیمار مبتنی بر الگوی پرسید - پروسید بر میزان اختلالات اسکلتی - عضلانی در کمک‌پرستاران

فاطمه محمدی طاویله^۱، فرامرز قره‌گوزلو^{۱*}، سیده سمیه کاظمی^۲، اکبر برزگر^{۱*}

۱. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲. گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۶

آنشر الکترونیک پیش از انتشار - ۲ خرداد ۱۴۰۲

نشریه پایش: ۲۰۰ - ۲۸۹ (۳): ۲۲۳ - ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: یکی از برنامه‌های مؤثر در پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، استفاده از مداخلات آموزشی حمل بیمار در چارچوب الگوی جامع پرسید-پروسید است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش حمل بیمار مبتنی بر الگوی پرسید-پروسید بر میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی در کمک‌پرستاران انجام شد.

مواد و روش کار: این پژوهش، یک مطالعه نیمه‌تجربی بود که در سال ۱۴۰۱ بر روی ۱۰۰ نفر از کمک‌پرستاران شاغل در بیمارستان امام رضا (ع) واقع در استان کرمانشاه در گروه مداخله و کنترل، انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه مشخصات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه نوردیک، مقیاس نقشه بدن، مقیاس آنالوگ بصری و پرسشنامه رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی براساس الگوی پرسید بود که در سه مرحله قبل، یک و سه ماه پس از مداخله، تکمیل شدند. تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی و تحلیلی صورت گرفت.

یافته‌ها: قبل از مداخله میزان و شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی بین گروه مداخله و کنترل فقط در برخی اندام‌ها، اختلاف معنادار داشت اما پس از مداخله میزان و شدت اختلالات بین دو گروه در تمام اندام‌ها، اختلاف معنادار داشت ($P\text{-value} < 0/05$) به این صورت که در گروه مداخله، این میزان کاهش یافت. قبل از مداخله، اختلاف معناداری بین نمره آگاهی، نگرش، خودکارآمدی، عوامل تقویت کننده و قادرکننده و رفتار در گروه مداخله و کنترل وجود نداشت ($P\text{-value} > 0/05$) اما پس از مداخله، این نمرات بین دو گروه، اختلاف معناداری داشت ($P\text{-value} < 0/05$) به این صورت که در گروه مداخله، افزایش یافت.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه آموزش حمل بیمار بر اساس الگوی پرسید-پروسید تأثیر بسزایی در کاهش میزان و شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی داشت. لذا مداخله آموزشی براساس این الگو احتمالاً می‌تواند باعث کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در افرادی شود که به نوعی با حمل بیمار سروکار دارند، البته انجام مطالعات بیشتر بر روی تعداد افراد بیشتری توصیه می‌شود.

کلید واژه‌ها: الگوی پرسید-پروسید، آموزش، حمل بیمار، اختلالات اسکلتی-عضلانی، کمک‌پرستاران

کد اخلاق: IR.KUMS.REC.1401.011

* نویسنده پاسخگو: کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشکده بهداشت

E-mail: gharagozlouf@yahoo.com

مقدمه

با توجه به نقش کمک پرستاران در سیستم بهداشتی و درمانی، حفاظت آن‌ها در برابر بیماری‌های شغلی از جمله اختلالات اسکلتی-عضلانی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. کمک پرستاران به خاطر ماهیت شغل خود در معرض شیوع بالای اختلالات اسکلتی-عضلانی قرار دارند. در شغل کمک پرستاری عمل بلندکردن بار به دفعات زیاد انجام می‌شود و تکرار بلندکردن و جابجایی بیماران موجب افزایش ریسک کمردرد می‌شود؛ به طوری که کمک پرستاران سه برابر بیش از پرستاران دچار آسیب در ناحیه ستون فقرات می‌شوند [۱]. عوامل مختلف شغلی در ایجاد اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارکنان پرستاری نقش دارند. برخی از این عوامل شامل کار یکنواخت و تکراری، نوبت کاری، استراحت ناکافی، وضعیت نامناسب بدن هنگام کار، استرس کاری، سابقه کاری، بلندکردن بیماران و جابجا کردن آن‌ها به مکان‌های دیگر می‌باشد [۲]. حمل بیمار علاوه بر حرکت دادن بیمار شامل فشاردادن، کشیدن، بلندکردن و چرخش‌های ناگهانی کمر می‌باشد. پوسچر نامناسب هنگام جابجایی هم منجر به اختلالات اسکلتی-عضلانی در کمک پرستاران می‌شود [۳]. برای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، اقداماتی از جمله آموزش روش‌های حمل بیمار، مداخلات ارگونومیک و استفاده از تجهیزات مکانیکی حمل بیمار را می‌توان در دستور کار قرار داد [۴]. یکی از الگوهای آموزشی مورد استفاده برای حمل بیمار، الگوی پرسید-پرسید است. علت انتخاب این الگو این است که این الگو ابزاری برای طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های تغییر رفتار بهداشتی است. همچنین، الگوی پرسید-پرسید به کاربران خود این امکان را می‌دهد تا در زمینه‌های اجتماعی، اپیدمیولوژیک، رفتاری و محیطی جامعه را ارزیابی کنند و برنامه‌ها را با رویکردی منظم برنامه‌ریزی و ارزشیابی کنند [۵]. این الگو یک چارچوب ارزیابی هزینه و فایده در دو قسمت مجزا است [۶]. قسمت اول؛ پرسید (Precede)، تشخیص آموزشی است که شامل عوامل مستعدکننده، تقویت‌کننده و قادرکننده در تشخیص و ارزیابی آموزشی است. قسمت دوم؛ پرسید (Proceed)، یک تشخیص اکولوژیکی است که مخفف عوامل سیاست‌گذاری، نظارتی و سازمانی در توسعه آموزشی و محیطی است [۶]. الگوی برنامه‌ریزی پرسید-پرسید شامل چهار مرحله برنامه‌ریزی، یک مرحله اجرا و سه مرحله ارزشیابی است. مرحله یک، تشخیص اجتماعی است. مرحله دوم تشخیص اپیدمیولوژیک، رفتاری و

محیطی است. مرحله سوم، تشخیص آموزشی و اکولوژیکی است. مرحله چهارم، تشخیص اداری و سیاست‌گذاری است. مرحله پنجم اجرای برنامه است. مرحله ششم، ارزشیابی فرایند و شناسایی اصلاحات مورد نیاز می‌باشد. مرحله هفتم، ارزشیابی تأثیر و مرحله هشتم، ارزشیابی نتایج است [۶]. براساس الگوی پرسید-پرسید سه دسته عوامل شامل عوامل مستعدکننده، عوامل قادرکننده و عوامل تقویت‌کننده، باعث تغییر رفتار می‌شوند. هر کدام از این عوامل نقش متفاوتی در تغییر رفتار دارند اما ترکیب تمام این عوامل برای تغییر رفتار لازم است [۶]. طبق بررسی‌های انجام‌شده در بانک‌های اطلاعاتی و مجلات علمی مختلف، مطالعه‌ای بر اساس الگوی پرسید-پرسید در جامعه مورد پژوهش ما یعنی کمک پرستاران در بررسی تاثیر آموزش حمل بیمار بر اختلالات اسکلتی-عضلانی یافت نشد و مطالعات صورت گرفته، روی پرستاران یا مشاغل دیگر انجام گرفته است. در یک مطالعه کیفی که کاظمی و همکاران [۷] براساس سازه‌های الگوی پرسید-پرسید بر روی پرستاران انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که این الگو در پیشگیری از کمردرد مؤثر است. یافته‌های مطالعه مشکلی و همکاران [۸] حاکی از آن بود که طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی براساس این الگو در ارتقای رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی مؤثر است. یافته‌های مطالعه پورحاجی و همکاران [۹] حاکی از آن بود که استفاده از الگوی پرسید-پرسید در برنامه‌های بهداشتی، تجزیه و تحلیل نیازها و تفکیک آن‌ها مفید است. مطالعه‌ای که Marshal و همکاران [۱۰] با استفاده از الگوی پرسید-پرسید در یک سایت کاری در کارولینای شمالی انجام داده‌اند، نشان داده که مداخله زودهنگام براساس الگوی پرسید-پرسید منجر به کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در محیط کار می‌شود. نتایج مطالعه Sezgin و همکاران [۱۱]، حاکی از آن بود که برنامه مدیریت ریسک ارگونومیک مبتنی بر الگوی پرسید-پرسید باعث کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی، شدت درد، ریسک‌های ارگونومیک و کاهش استفاده از داروهای مربوط به اختلالات اسکلتی-عضلانی و افزایش انجام تمرینات ورزشی در پرستاران می‌شود. Hong و همکاران [۱۲] در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که نمرات دانش، نگرش و رفتار بهداشتی شرکت‌کننده‌ها بعد از سه ماه مداخله، افزایش یافت. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش حمل بیمار مبتنی بر الگوی پرسید-پرسید بر میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی در کمک پرستاران انجام گرفت.

مواد و روش کار

این مطالعه یک مطالعه نیمه تجربی بود. محیط پژوهش بیمارستان آموزشی-درمانی امام رضا (ع) و جامعه آماری، کمک پرستاران شاغل در این بیمارستان بود. از آنجا که بخشی که فرد در آنجا کار می‌کند می‌تواند در میزان و شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی مؤثر باشد لذا در گروه مداخله و کنترل به تعداد یکسان، افراد از هر بخش انتخاب شدند و این عامل در دو گروه همسان شد.

معیارهای ورود: داشتن ۶ ماه یا بیشتر سابقه کار در شغل کمک پرستاری، عدم ابتلا به اختلالات اسکلتی-عضلانی مادرزادی یا در اثر بیماری و ضربه.

معیارهای خروج: بارداری، داشتن شغل دوم.

تعیین حجم نمونه و روش انتخاب نمونه: تعداد کمک پرستاران در بیمارستان امام رضا ۲۰۰ نفر بود. از آنجایی که یکی از اهداف عمده این مطالعه کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در کمک پرستاران بود، با توجه به اطلاعات داده شده در پژوهش کاظمی و همکاران [۱۳] در خصوص تأثیر مداخله آموزش تئوری محور بر کاهش کمردرد پرستاران و جایگزینی در فرمول زیر و همچنین با لحاظ نمودن سطح اطمینان ۹۵ درصد و توان آزمون ۸۰ درصد، تعداد افراد لازم برای هر گروه (مداخله و کنترل) ۴۶ نفر تعیین شد که به خاطر بالا بردن درجه اطمینان ۵۰ نفر در هر گروه قرار گرفت. گروه هدف به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و سپس به صورت تصادفی در گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند.

$$n = \frac{(s_1^2 - s_2^2)}{(\mu_1 - \mu_2)^2} \int (\alpha, \beta)$$

$$n = \frac{(2.33^2 - 1.19^2)}{(5.55 - 4.60)^2} \times 10.5 = 46$$

بعد از هماهنگی با مدیر بیمارستان و کلیه مسئولین، اطلاع‌رسانی در مورد پژوهش و اهمیت آن از طریق نصب پوستر فراخوان همکاری در بردهای بیمارستان انجام گرفت، علاوه بر آن پوستر از طریق رایانه و تلفن‌های همراه برای کمک پرستاران ارسال شد. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب که بیمارستان لیست شناسه کمک پرستاران را برای محقق ارسال کرد. محقق اسامی کمک پرستاران را به صورت ۱ تا ۱۰۰ کدبندی کرد. یک جدول اعداد تصادفی با استفاده از این اعداد ایجاد شد. محقق براساس جدول تصادفی با کمک پرستاران تماس گرفت و آن‌ها را از نظر واجد شرایط بودن و رضایت شرکت در تحقیق، ارزیابی کرد. این فرآیند تا رسیدن حجم نمونه به ۱۰۰ نفر ادامه یافت.

مداخله: الگوی پرسید-پروسید یکی از الگوهایی است که بطور گسترده در ارزیابی نیازهای آموزشی استفاده می‌شود. لذا در این مطالعه از فازهای سوم (تشخیص آموزشی)، فاز پنجم (اجرا)، فاز هفتم (ارزشیابی تأثیر) و فاز هشتم (ارزشیابی پیامد)، استفاده شد. در فاز سوم، با استفاده از پرسشنامه الگوی پرسید-پروسید، مصاحبه و مشاهده، عوامل مستعدکننده، تقویت کننده و قادرکننده رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، مشخص شدند. در فاز پنجم، مداخله آموزشی اجرا شد. در فاز هفتم که مرحله ارزشیابی تأثیر است، از طریق پرسشنامه الگوی پرسید-پروسید، تأثیر آموزش بر نمره عوامل مستعدکننده (آگاهی، نگرش و خودکارآمدی)، تقویت کننده و قادرکننده و رفتار، سنجیده شد. در خصوص آیتم آگاهی، دانش و آگاهی افراد در خصوص اختلالات اسکلتی-عضلانی، علل و عوامل ایجاد این اختلالات و راه‌های پیشگیری از آن‌ها سنجیده شد. در خصوص آیتم نگرش، عقیده فرد در خصوص نقش رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی عضلانی در بازدهی کار، نقش روابط صمیمانه و احترام آمیز در محیط کار در پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، نقش آموزش در پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی و نقش رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی در کاهش غیبت از کار، سنجیده شد. در خصوص آیتم خودکارآمدی، توانایی انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی در محیط کار، مدیریت شرایط استرس زا در محیط کار با برقراری روابط احترام آمیز و تکنیک‌های آرام‌سازی، مدیریت زمان برای انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی با وجود حجم زیاد کار، توانایی انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی با وجود سختگیری‌های مسؤل بخش، استفاده از تجارب موفق، استفاده از تجارب دانشجویی، سنجیده شد. در خصوص آیتم عوامل تقویت کننده، تشویق و ترغیب کمک پرستاران توسط همکاران و سرپرستان آن‌ها جهت انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، تشویق کمک پرستاران به انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی با ارائه گواهی شرکت در مطالعه، سنجیده شد. در خصوص آیتم عوامل قادرکننده، حمایت بیمارستان و همکاران از کمک پرستاران در انجام رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، سنجیده شد. عوامل مستعدکننده، تقویت کننده و قادرکننده، سنجیده شد. در فاز هشتم که ارزشیابی پیامد است، از

اسکلتی-عضلانی، سطح تحصيلات، فعاليت ورزشي، قد و وزن بود که توسط محقق تهيه شد.

- پرسشنامه نورديک (Nordic questionnaire): جهت بررسي ميزان اختلالات اسکلتی-عضلانی به کار می‌رود. روايي و پايایي برگردان فارسي اين پرسشنامه در مطالعه چوبينه و همکاران بررسي شده است [۱۴].

- مقياس آنالوگ بصري (Visual analog scale) و نقشه بدن (Body map): جهت تعيين شدت درد به کار می‌رود. در اين مقياس نمايي از نواحي سر و گردن، شانه و بازو، آرنج و ساعد، پايين کمر، مچ دست، لگن، ران و زانو، ساق و پا، کشيده شده و در کنار هر کدام از اين نواحي يک خط مقياس ترسيم شده که از صفر تا ده علامتگذاري شده است که عدد صفر نشان دهنده عدم ناراحتي و عدد ده، نشان دهنده ناراحتي شديد است. از کمک پرستاران خواسته شد تا در صورتي که در هر کدام از نواحي تصوير، ناراحتي حس می‌کنند، آن قسمت را روی نقشه بدن هاشور بزنند و ميزان ناراحتي که در حال حاضر در هر بخش از بدن احساس می‌کنند را روی مقياس مربوطه علامت بزنند [۱۵].

- پرسشنامه الگوی پرسيد-پروسيدي: روايي اين پرسشنامه، در مطالعه کاظمي و همکاران، بررسي شده است [۱۶]. پایايي اين پرسشنامه توسط محقق با روش همساني دروني (آلفای کرونباخ) بررسي شد که ضريب آلفای کرونباخ، عالی (۰/۹۱) بود. ضريب همبستگي با فاصله زماني ۳ هفته نيز نشان داد که پرسشنامه از ثبات رضاييت بخشي برخوردار بود.

روش تحليل داده‌ها: از آزمون کولموگروف-اسميرنوف برای بررسي نرمال بودن داده‌ها استفاده شد. آزمون تی مستقل برای بررسي همساني متغيرهاي دموگرافیک کمی در دو گروه (سطح معناداري ۹۵ درصد)، استفاده شد، آزمون کای دو به منظور بررسي همساني متغيرهاي دموگرافیک کيفي در دو گروه و مقايسه ميزان اختلالات اسکلتی-عضلانی بين گروه مداخله و کنترل، استفاده شد. آزمون کوکران برای مقايسه ميزان اختلالات اسکلتی-عضلانی در هر گروه در مراحل مختلف مطالعه، استفاده شد. برای مقايسه شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی و همچنين مقايسه پارامترهاي الگوی پرسيد-پروسيدي در هر گروه در مراحل مختلف مطالعه از آزمون آناليز واريانس با مقادير تکراري استفاده شد. مقايسه شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی و همچنين مقايسه پارامترهاي الگوی

طريق پرسشنامه نورديک، مقياس آنالوگ بصري و بادي مپ، تأثير آموزش بر ميزان و شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی، سنجيده شد. بعد از تکميل و بررسي پرسشنامه‌ها قبل از اجرائي مداخله آموزشی و انجام نيازسنجی آموزشی، محتوای آموزشی، تعداد جلسات مداخله آموزشی، مدت زمان هر جلسه و رؤوس مطالب آموزشی برای هر جلسه تعيين شد. محتوای آموزشی در قالب پاورپوينت و فيلم آموزشی تهيه شد. گروه مداخله به گروه‌هاي ۲۵ نفره تقسيم شدند و محتوای آموزشی در جلسات ۴۵ دقيقه‌ای به صورت سخنرانی، پرسش و پاسخ و آموزش عملي به افراد ارائه شد. به منظور افزايش آگاهی کمک پرستاران، سخنرانی، بحث و پرسش و پاسخ انجام شد. برای تغيير نگرش کمک پرستاران، از بحث‌هاي گروهی در مورد اختلالات اسکلتی-عضلانی و تجارب مثبت پس از انجام رفتارهاي ارتقاءدهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی و همچنين تجارب منفي پس از انجام ندادن رفتارهاي ارتقاءدهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی استفاده شد. در خصوص عوامل تقويت‌کننده از تشويق و ترغيب کمک پرستاران توسط پژوهشگر برای رعایت وضعيت صحيح ستون فقرات، تشويق و ترغيب کمک پرستاران توسط همکاران و سرپرستاران برای رعایت وضعيت صحيح ستون فقرات، تشويق و ترغيب کمک پرستاران از طريق ارائه گواهي تشويقي به دليل شرکت در برنامه‌هاي آموزشی پيشگيري از اختلالات اسکلتی-عضلانی، تشويق و ترغيب کمک پرستاران برای تداوم رفتارهاي سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی به واسطه ايجاد احساس خوب پس از انجام آن، استفاده شد. در خصوص عوامل قادرساز از طراحی و برنامه‌ريزي برای اجرائي نيازهاي آموزشی کمک پرستاران در کميته مديريت و امکان شرکت در آموزش حضوري در خصوص رفتارهاي پيشگيري از اختلالات اسکلتی-عضلانی، استفاده شد. برای ايجاد خودکارآمدی در جهت انجام رفتار، آموزشگر بازخوردی شامل تصحيح و تأييد قسمت‌هاي درست انجام شده، ارائه کرد. همچنين محقق، کمک پرستاران را دو بار در هفته به صورت تلفنی دنبال کرد و تشويق‌هاي لازم برای انجام رفتارهاي ارتقاءدهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی انجام داد. بعد از مداخله آموزشی، پرسشنامه‌ها مجدداً بين دو گروه توزيع شد و نتايج توسط محقق ارزیابي شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها: پرسشنامه مشخصات جمعيت‌شناختي: شامل سابقه کار، سابقه دريافت آموزش در زمينه اختلالات

پرسید-پروسید بین گروه مداخله و کنترل با استفاده از آزمون تی مستقل انجام گرفت.

یافته‌ها

این تحقیق بر روی ۱۰۰ نفر از کمک‌پرستاران بیمارستان امام رضا در دو گروه مداخله (۵۰ نفر) و کنترل (۵۰ نفر)، انجام شد. میانگین و انحراف معیار سن در گروه مداخله $۳۸/۴ \pm ۸/۴۱$ و در گروه کنترل $۳۸/۰۶ \pm ۷/۰۹$ بود. نتایج نشان داد که متغیرهای دموگرافیک، بین گروه مداخله و کنترل، همسان بودند ($P > ۰/۰۵$) (جدول ۱).

قبل از مداخله میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معنادار نداشت ($P > ۰/۰۵$). یک ماه پس از مداخله آموزشی به جز در ناحیه شانه چپ، آرنج، مچ دست چپ و مچ پا در دیگر اندام‌ها اختلاف معناداری در میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی بین گروه مداخله و کنترل مشاهده شد (میزان اختلالات در گروه مداخله کاهش یافت)، ($P < ۰/۰۵$). همچنین سه ماه پس از مداخله، در تمام اندام‌های مورد بررسی (به جز ناحیه مچ دست چپ و باسن و ران) اختلاف معناداری بین گروه مداخله و کنترل مشاهده شد (میزان اختلالات در گروه مداخله کاهش یافت)، ($P < ۰/۰۵$) (جدول ۲). شدت درد قبل از مداخله آموزشی فقط در ناحیه پایین کمر و لگن بین گروه کنترل و مداخله، اختلاف معنادار داشت ($P < ۰/۰۵$). یک ماه پس از مداخله، به جز در نواحی پایین کمر و آرنج و ساعد چپ، شدت درد بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معناداری داشت (شدت اختلالات در گروه مداخله کاهش یافت. سه ماه پس از مداخله در تمام نواحی بین گروه کنترل و

مداخله، اختلاف معنادار داشت و شدت اختلالات در گروه مداخله کاهش یافت)، ($P < ۰/۰۵$) (جدول ۳). مقایسه نمره آگاهی بین گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله، اختلاف معناداری بین گروه مداخله و کنترل وجود نداشت ($P > ۰/۰۵$). اما یک و سه ماه پس از مداخله، نمره آگاهی افراد بین دو گروه، اختلاف معناداری داشت ($P < ۰/۰۵$). نتایج مقایسه نمره نگرش بین دو گروه نشان داد که قبل از مداخله، بین دو گروه، اختلاف معناداری مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$) اما سه ماه پس از مداخله، بین دو گروه، اختلاف معناداری مشاهده شد ($P < ۰/۰۵$). مقایسه نمره خودکارآمدی بین دو گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله، مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$). اما سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه مشاهده شد ($P < ۰/۰۵$). مقایسه نمره عوامل تقویت کننده بین گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه، مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$). اما یک و سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه مشاهده شد. مقایسه نمره عوامل قادرکننده بین گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله اختلاف معناداری بین گروه مداخله و کنترل، مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$). اما یک و سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه مشاهده شد ($P < ۰/۰۵$). مقایسه نمره رفتار بین دو گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله نمره رفتار بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معناداری نداشت ($P > ۰/۰۵$) اما سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین نمره رفتار دو گروه مشاهده شد ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۱: نتایج بررسی همسانی متغیرهای دموگرافیک کمی در گروه مداخله و کنترل

گروه متغیر	مداخله میانگین (انحراف معیار)	کنترل میانگین (انحراف معیار)	P-value (آزمون t مستقل)
سن	۳۸/۴ (۷/۴۱۳)	۳۸/۰۶ (۷/۰۹۰)	۰/۷۸۳
قد	۱۶۶/۲۲ (۵/۵۱)	۱۶۵/۲۲ (۶/۳۱)	۰/۱۹۰
وزن	۷۲/۰۲ (۶/۰۷۵)	۷۰/۵۴ (۶/۹۳)	۰/۳۴۴

جدول ۲: نتایج بررسی همسانی متغیرهای دموگرافیک کیفی در گروه مداخله و کنترل

گروه متغیر	مداخله (فراوانی)	کنترل (فراوانی)	P-value (آزمون کای دو)
جنسیت			
مرد	۲۳	۱۸	۰/۳۰۹
زن	۲۷	۳۲	
وضعیت تأهل			
مجرد	۱۳	۱۵	۰/۶۵۶
متاهل	۳۷	۳۵	
تحصیلات			
دیپلم	۴۰	۴۳	۰/۴۲۴
لیسانس و بالاتر	۱۰	۷	
سابقه کار			
کمتر از ۵ سال	۱۲	۱۲	
۵-۱۰ سال	۱۱	۱۲	۰/۶۶۷
۱۰-۱۵ سال	۱۰	۱۴	
۱۵-۲۰ سال	۷	۵	
بیشتر از ۲۰ سال	۱۰	۵	
وضعیت بدن در طول مدت زمان کار			
ایستاده دائم	۱۴	۸	۰/۱۴۸
نشسته دائم	۰	۰	
ایستاده-نشسته توأم	۳۶	۴۲	
ساعت کاری روزانه			
۸ ساعت	۴۱	۳۷	۰/۱۰۸
۱۰ ساعت و بیشتر	۹	۱۳	

جدول ۳: مقایسه میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی در مراحل مختلف مداخله آموزشی

اندام مورد بررسی	گروه	درصد افراد دارای درد و ناراحتی		
		قبل	یک ماه بعد	سه ماه بعد
گردن	مداخله	٪۲۶	٪۲۳	٪۱۷
	کنترل	٪۲۸	٪۲۷	٪۲۵
	p-value*	N.S	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱
شانه راست	مداخله	٪۲۳	٪۲۱	٪۱۸
	کنترل	٪۲۴	٪۲۴	٪۲۲
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۲۶
شانه چپ	مداخله	٪۱۳	٪۱۱	٪۹
	کنترل	٪۱۰	٪۱۰	٪۹
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۴۸
آرنج راست	مداخله	٪۱۰	٪۱۰	٪۷
	کنترل	٪۱۱	٪۱۰	٪۹
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۴۰
آرنج چپ	مداخله	٪۸	٪۶	٪۴
	کنترل	٪۸	٪۷	٪۷
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۴۰
مچ دست راست	مداخله	٪۲۱	٪۱۹	٪۱۸
	کنترل	٪۲۳	٪۲۱	٪۲۱
	p-value	N.S	۰/۰۳۸	۰/۰۴۳
مچ دست چپ	مداخله	٪۱۵	٪۱۴	٪۱۱
	کنترل	٪۱۴	٪۱۲	٪۱۳
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۴۳
ناحیه فوقانی پشت	مداخله	٪۲۰	٪۱۸	٪۱۵
	کنترل	٪۲۶	٪۲۴	٪۲۴
	p-value	N.S	۰/۰۰۸	۰/۰۲۱

۰/۰۰۱	٪۱۹	٪۲۵	٪۳۱	مداخله	کمر
N.S	٪۳۱	٪۳۳	٪۳۲	کنترل	
۰/۰۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	N.S	p-value	باسن و ران
N.S	٪۱۸	٪۲۲	٪۲۲	مداخله	
۰/۰۰۴	٪۱۸	٪۱۹	٪۱۹	کنترل	زانو
N.S	N.S	۰/۰۴۰	N.S	p-value	
۰/۰۰۹	٪۷	٪۱۲	٪۱۴	مداخله	مچ پا
N.S	٪۱۱	٪۱۲	٪۱۳	کنترل	
	۰/۰۲۶	N.S	N.S	p-value	

*آزمون کای دو

جدول ۴: مقایسه میانگین شدت درد در مراحل مختلف مداخله آموزشی

ناحیه	زمان	گروه کنترل میانگین (انحراف معیار)	گروه مداخله میانگین (انحراف معیار)	p-value (آزمون آمستقل)
سر و گردن	قبل	۳/۷۵ (۰/۵۴۳)	۳/۷۳ (۰/۵۳۶)	N.S
	یک ماه	۳/۷۴ (۰/۵۱۹)	۳/۴۰ (۰/۵۱۲)	۰/۰۴۱
	سه ماه	۳/۷۲ (۰/۵۱۱)	۳/۲۷ (۰/۵۰۴)	۰/۰۲۷
شانه و بازوی راست	قبل	۲/۶۳ (۰/۴۶۷)	۲/۵۱ (۰/۴۶۰)	N.S
	یک ماه	۲/۴۴ (۰/۳۹۴)	۱/۵۶ (۰/۳۸۹)	۰/۰۱۹
	سه ماه	۲/۵۰ (۰/۴۲۰)	۱/۸۹ (۰/۴۱۴)	۰/۰۲۴
پایین کمر	قبل	۳/۴۸ (۰/۵۳۴)	۳/۸۱ (۰/۵۲۸)	۰/۰۳۲
	یک ماه	۳/۵۰ (۰/۵۳۳)	۳/۳۷ (۰/۵۲۵)	N.S
	سه ماه	۳/۴۴ (۰/۴۹۸)	۲/۶۲ (۰/۵۹۱)	۰/۰۰۲
آرنج و ساعد راست	قبل	۲/۲۲ (۰/۴۶۰)	۲/۱۲ (۰/۴۵۳)	N.S
	یک ماه	۲/۱۹ (۰/۴۲۶)	۱/۳۵ (۰/۴۲۰)	۰/۰۱۹
	سه ماه	۲/۱۵ (۰/۴۰۲)	۱/۰۸ (۰/۳۹۶)	۰/۰۰۲
		N.S	۰/۰۳۵	N.S
		۱/۲۷ (۰/۳۸۰)	۱/۲۱ (۰/۳۷۵)	
		۱/۳۰ (۰/۳۶۲)	۰/۹۷ (۰/۳۵۷)	۰/۰۴۴

* آزمون آنالیز واریانس با مقادیر تکراری

جدول ۵: مقایسه پارامترهای الگوی پرسید در مراحل مختلف مداخله آموزشی

متغیر	زمان	قبل از مداخله میانگین (انحراف معیار)	یک ماه بعد از مداخله میانگین (انحراف معیار)	سه ماه بعد از مداخله میانگین (انحراف معیار)	p-value (آزمون آمستقل)
آگاهی	کنترل	۳/۵۸ (۰/۳۱۱)	۳/۵۴ (۰/۳۱۰)	۳/۵۱ (۰/۴۱۲)	N.S
	مداخله	۳/۶۹ (۰/۳۱۸)	۴/۱۸ (۰/۴۱۰)	۴/۶۴ (۰/۴۰۸)	۰/۰۰۱
	#p-value	N.S	۰/۰۲۴	۰/۰۰۳	
نگرش	کنترل	۳/۶۳ (۰/۳۲۰)	۳/۶۳ (۰/۳۱۸)	۳/۵۹ (۰/۴۱۳)	N.S
	مداخله	۳/۶۴ (۰/۳۱۹)	۳/۸۰ (۰/۴۱۰)	۴/۰۹ (۰/۴۰۶)	۰/۰۰۱
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۲۹	
خودکارآمدی	کنترل	۳/۸۵ (۰/۳۱۳)	۳/۸۶ (۰/۳۲۰)	۳/۸۶ (۰/۳۸۷)	۰/۲۵
	مداخله	۳/۸۴ (۰/۳۸۱)	۴/۰۳ (۰/۳۸۹)	۴/۳۱ (۰/۴۰۱)	۰/۰۰۱
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۴۸	
عوامل تقویت کننده	کنترل	۳/۶۰ (۰/۳۲۱)	۳/۶۰ (۰/۳۲۱)	۳/۶۱ (۰/۳۵۷)	۰/۲۵
	مداخله	۳/۸۳ (۰/۳۵۱)	۳/۹۸ (۰/۳۸۱)	۴/۳۸ (۰/۴۲۱)	۰/۰۰۱
	p-value	N.S	۰/۰۴۰	۰/۰۲۲	
عوامل قادرکننده	کنترل	۳/۹۰ (۰/۳۱۴)	۳/۹۱ (۰/۳۰۱)	۳/۹۲ (۰/۳۴۳)	N.S
	مداخله	۳/۹۴ (۰/۳۳۱)	۴/۲۹ (۰/۳۴۲)	۴/۳۸ (۰/۴۲۸)	۰/۰۰۱
	p-value	N.S	۰/۰۴۹	۰/۰۲۸	
رفتار	کنترل	۳/۵۱ (۰/۳۲۳)	۳/۵۲ (۰/۳۲۱)	۳/۵۴ (۰/۳۴۱)	N.S
	مداخله	۳/۵۸ (۰/۳۱۱)	۳/۸۱ (۰/۳۰۲)	۴/۳۹ (۰/۴۲۳)	۰/۰۰۱
	p-value	N.S	N.S	۰/۰۱۶	

* آزمون آنالیز واریانس با مقادیر تکراری

بحث و نتیجه گیری

قبل از مداخله، در تمام اندام های مورد بررسی، اختلاف معناداری در میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی بین گروه کنترل و مداخله، مشاهده نشد. یک ماه پس از مداخله تنها در میزان اختلالات ناحیه کمر و تا حدودی گردن بین گروه کنترل و مداخله، اختلاف معنادار مشاهده شد. این امر ممکن است به این دلیل باشد که کاهش میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی به زمانی بیشتر از یک ماه نیاز دارد و ممکن است حمل درست بیمار بیشترین تاثیر را بر کاهش اختلال در کمر و گردن داشته باشد. مطالعه مشابه که میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی را یک ماه پس از مداخله سنجیده باشد، یافت نشد. سه ماه پس از مداخله، میزان اختلالات بین دو گروه در تمام نواحی اختلاف معناداری داشت (کاهش میزان اختلالات

اسکتی-عضلانی در گروه مداخله). نتیجه این تحقیق با دیگر مطالعات [۳، ۱۷]، همخوانی داشت. کاهش میزان اختلالات اسکلتی-عضلانی در گروه مداخله، ممکن است به دلیل ارتقاء آگاهی، نگرش، خودکارآمدی، عوامل تقویت کننده و عوامل قادرکننده در گروه مداخله باشد که به ارتقاء رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی و در نتیجه، کاهش میزان اختلالات در گروه مداخله منجر شد. شدت درد قبل از مداخله آموزشی به جز ناحیه پایین کمر و لگن در سایر نواحی بین گروه کنترل و مداخله، اختلاف معناداری نداشت. یک ماه پس از مداخله، به جز در نواحی پایین کمر و آرنج و ساعد چپ، شدت درد بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معناداری نداشت. مطالعه مشابه که شدت درد را یک ماه پس از مداخله بسنجد، یافت نشد. علت عدم اختلاف معنادار در برخی اندام ها پس

کنترل، اختلاف معناداری نداشت. مطالعه مشابهی که خودکارآمدی را پس از یک ماه سنجیده باشد، یافت نشد. عدم اختلاف نمره خودکارآمدی یک ماه بعد از مداخله ممکن است به این دلیل باشد که برای تغییر خودکارآمدی فرد به زمانی بیشتر از یک ماه نیاز است. میانگین نمره خودکارآمدی، سه ماه پس از مداخله بین دو گروه تفاوت معناداری داشت. به عبارتی میانگین نمره خودکارآمدی در گروه مداخله افزایش یافت. نتیجه این تحقیق با مطالعات پیشین [۱۰،۲۱]، همخوانی داشت. افزایش میانگین نمره خودکارآمدی در گروه مداخله، ممکن است به علت بازخورد آموزش دهنده به کمک پرستاران هنگام حمل بیمار شامل تصحیح و تأیید قسمت‌های درست انجام شده و همچنین تشویق‌های لازم برای انجام رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی باشد. میانگین نمره عوامل تقویت‌کننده قبل از مداخله بین دو گروه اختلاف معناداری نداشت اما یک و سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه مشاهده شد. به عبارتی میانگین نمره عوامل تقویت‌کننده در گروه مداخله افزایش یافت. نتیجه این مطالعه با یک مطالعه انجام گرفته مشابه [۲۲]، همخوانی داشت. افزایش میانگین نمره عوامل تقویت‌کننده در گروه مداخله، ممکن است به علت تشویق و ترغیب کمک پرستاران توسط پژوهشگر برای رعایت وضعیت صحیح ستون فقرات، تشویق و ترغیب کمک پرستاران توسط همکاران و سرپرستاران برای رعایت وضعیت صحیح ستون فقرات، تشویق و ترغیب کمک پرستاران برای تداوم رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی بواسطه ایجاد احساس خوب پس از انجام آن باشد.

میانگین نمره عوامل قادرکننده قبل از مداخله اختلاف معناداری بین گروه مداخله و کنترل نداشت. اما یک و سه ماه پس از مداخله اختلاف معناداری بین دو گروه مشاهده شد. به عبارتی میانگین نمره عوامل قادرکننده در گروه مداخله افزایش یافت. نتیجه این مطالعه با یک مطالعه انجام گرفته در مورد کمردرد کارکنان مراقبت‌های بهداشتی [۹]، همخوانی داشت. افزایش میانگین نمره عوامل قادرکننده ممکن است به علت مطرح کردن و برنامه‌ریزی برای اجرای نیازهای آموزشی کمک پرستاران در کمیته مدیریت و همچنین امکان شرکت در آموزش حضوری در خصوص رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی باشد. قبل و یک ماه پس از مداخله نمره رفتار بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معناداری نداشت. مطالعه مشابه که نمره رفتار را یک ماه پس از مداخله

از یک ماه ممکن است به این دلیل باشد که کاهش شیوع اختلالات در این اندام‌ها به زمانی بیشتر از یک ماه نیاز داشته باشد. همچنین رعایت نکردن کامل اصول آموزش داده شده توسط برخی از کمک پرستاران ممکن است از دیگر دلایل این امر باشد. سه ماه پس از مداخله در تمام نواحی بین گروه مداخله و کنترل، اختلاف معناداری مشاهده شد. به عبارتی میانگین شدت درد در گروه مداخله، کمتر بود. نتیجه این مطالعه با یک مطالعه انجام گرفته مبتنی بر الگوی پرسید-پرسید در پرستاران [۱۱]، همخوانی داشت. کاهش شدت درد در گروه مداخله، ممکن است به دلیل ارتقاء آگاهی، نگرش، خودکارآمدی، عوامل تقویت‌کننده و عوامل قادرکننده در گروه مداخله باشد که به ارتقاء رفتارهای پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی و در نتیجه، کاهش شدت درد در گروه مداخله منجر شد. مقایسه بین گروه مداخله و کنترل نشان داد که قبل از مداخله، اختلاف معناداری بین نمره آگاهی گروه مداخله و کنترل وجود نداشت اما یک و سه ماه پس از مداخله، نمره آگاهی افراد بین دو گروه، اختلاف معناداری داشت (افزایش نمره آگاهی در گروه مداخله). نتایج این مطالعه با دیگر مطالعات انجام گرفته [۸،۱۸]، همخوانی داشت. افزایش آگاهی، یک ماه بعد در گروه مداخله، ممکن است به علت آموزش‌های داده شده به کمک پرستاران باشد. افزایش آگاهی، سه ماه بعد از مداخله در گروه مداخله، ممکن است به دلیل ایجاد حساسیت در کمک پرستاران و تلاش آن‌ها برای کسب آگاهی‌های لازم باشد.

قبل و یک ماه پس از مداخله، نمره نگرش بین دو گروه، اختلاف معناداری نداشت. مطالعه مشابهی یافت نشد که یک ماه پس از مداخله را سنجیده باشد. عدم اختلاف نگرش یک ماه بعد از مداخله ممکن است به این دلیل باشد که برای تغییر نگرش فرد به زمانی بیشتر از یک ماه نیاز است. سه ماه پس از مداخله، بین نمره نگرش دو گروه، اختلاف معناداری مشاهده شد. به عبارتی میانگین نمره نگرش در گروه مداخله افزایش یافت. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات دیگر [۱۹،۲۰]، همخوانی داشت. افزایش نمره نگرش در گروه مداخله، ممکن است به دلیل افزایش آگاهی در زمینه رفتار مورد نظر و کسب تجارب مثبت افراد پس از انجام رفتارهای ارتقا سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی، همچنین تجارب منفی پس از انجام ندادن رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت ساختار اسکلتی-عضلانی و به اشتراک گذاشتن احساسات افراد باشد. میانگین نمره خودکارآمدی، قبل و یک ماه پس از مداخله بین دو گروه مداخله و

در این مطالعه آموزش حمل بیمار بر اساس الگوی پرسید-پرسید-پرسید تاثیر بسزایی در کاهش میزان و شدت اختلالات اسکلتی-عضلانی داشت. لذا مداخله آموزشی براساس این الگو احتمالاً می تواند باعث کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در افرادی شود که به نوعی با حمل بیمار سروکار دارند. البته انجام مطالعات بیشتر بر روی تعداد افراد بیشتری توصیه می شود.

سهم نویسندگان

فاطمه محمدی طاویله: محقق اصلی، جمع آوری و تجزیه تحلیل داده ها، تهیه پیش نویس
فرامرز قره گوزلو: تهیه پیش نویس، ویرایش و تفسیر داده ها
سیده سمیه کاظمی: تجزیه و تحلیل و ویرایش نهایی
اکبر برزگر: تجزیه و تحلیل و ویرایش نهایی

منابع

- Morshedi1 R, Bozar M, Afshari D, Ahmadi Angali K, Malekzadeh M. Biomechanical analysis of manual lifting of loads and ergonomics solutions for nursing assistants. *Journal of Ergonomy* 2014; 3:17-24[Persian]
- Kgakge K, Chelule P. Prevalence and associated risk factors of Musculoskeletal disorders among nurses in a tertiary hospital in Botswana. *Occupational Health Southern Africa* 2019; 25:92-96
- Teeple E, Collins JE, Shrestha S, Dennerlein JT, Losina E, Katz JN. Outcomes of safe patient handling and mobilization programs: A meta-analysis. *Work* 2017;58:173-84
- Farahani M, Shahryari M, Saremi M, Mohammadi N, Haghani H. The effect of patient handling training on musculoskeletal disorders of nursing assistants. *Iranian Nursing Journal* 2017; 30:10-19
- Green LW, Kreuter MW. Health promotion planning: An educational and ecological approach: McGraw-Hill; 1993, Wikipedia 2020
- Green LW. Toward cost-benefit evaluations of health education: Some concepts, methods, and examples. *Health Education Monographs* 1974;2:34-64
- Kazemi S-S, Tavafian S-S, Hidarnia A, Montazeri A. Consequences and factors affecting work-related low back pain among nursing professionals: A qualitative study. *Payesh* 2019;18:291-303[Persian]
- Moshki M, Alami A, Fallahi M, Sarvari Khah H. Applying the PRECEDE-PROCEED model to promote preventive behaviors of musculoskeletal

disorders in computer users. *Iran Occupational Health* 2020;17:1-12[Persian]
- Pourhaji F, Delshad MH, Tavafian SS, Niknami S, Pourhaji F. Effects of educational program based on Precede-Proceed model in promoting low back pain behaviors (EPPLBP) in health care workers Shahid Beheshti University of medical sciences: randomized trial. *Heliyon* 2020;10:e05236
- Marshall J. *Early Intervention for Musculoskeletal Issues in the Workplace*, 2014
- Sezgin D, Esin MN. Effects of a PRECEDE-PROCEED model based ergonomic risk management programme to reduce musculoskeletal symptoms of ICU nurses. *Intensive and Critical Care Nursing* 2018;47:89-97
- Hong O. Application of the PRECEDE-PROCEED Model to Design a Program for Prevention of Low Back Pain in a Thai Community Hospital. *Advances in Safety Management and Human Performance: Proceedings of the AHFE 2020 Virtual Conferences on Safety Management and Human Factors, Human Error, Reliability, Resilience and Performance*. 1st Editon, Springer Nature: USA, 2020
- Kazemi SS, Tavafian S-S, Hiller CE, Hidarnia A, Montazeri A. Promoting behavior-related low back health in nursing staff by in-person and interactive social media interventions in the workplace: a randomized trial. *BMC Nursing* 2022;21:1-10

پیشنهاد می شود در مطالعه های با افزایش زمان مداخله آموزشی و استفاده از تمام مراحل الگوی پرسید-پرسید-پرسید به بررسی تاثیر مداخله در درازمدت پرداخته شود. این زمان می تواند فواصل زمانی سه و شش ماه یا بیشتر باشد.

14. Choobineh A. Posture assessment methods in occupational ergonomics. Fanavaran Publication Hamedan 2004;3:80-9
15. Nadri H, Nadri A, Rohani B, Fasih Ramandi F, Amin Sobhani M, Naseh I. Assessment of Musculoskeletal Disorders Prevalence and Body Discomfort among Dentists by Visual Analog Discomfort Scale. Journal of Mashhad Dental Faculty 2015;39:363-72[Persian]
16. Kazemi SS, Tavafian SS, Hiller CE, Hidarnia A, Montazeri A. The effectiveness of social media and in-person interventions for low back pain conditions in nursing personnel(SMILE). Nursing Open 2021;8:1220-1231
17. Eriyani E, Azuhairi A, Salmiah M, Rosliza A, Rafee M. Effectiveness of safe patient handling intervention on musculoskeletal disorder among government nurses in elderly care homes west coast Malaysia: Study protocol. International Journal of Public Health and Clinical Sciences 2019;6:222-36
18. Hoseini Z, Moeini B, Hazavei SMM, Aghamolaei T, Moghimbeigi A. The effect of the stress management training program based on the question pattern on nurses' occupational stress. Medical Journal of Hormozgan University 2011. 15: 200-208[Persian]
19. Mehrabian F, Kasmaie P, Atrkar-Roushan Z, Mahdvi-Roshan M, Defaei M. Survey of factors affecting healthy nutritional behaviors of Rasht health volunteers based on PRECEDE PROCEED Model. Journal of Health 2017;8:289-97
20. Azar FE, Solhi M, Nejhaddadgar N, Amani F. The effect of intervention using the PRECEDE-PROCEED model based on quality of life in diabetic patients. Electronic physician 2017;9:5024
21. Jiang Y, Yan J-W, Guo L-Q, Wu Y-N. Application of Precede-Proceed model in health education intervention of breast cancer screening in community women. Frontiers in Medical Science Research 2016;1: 52-59
22. Azizzadeh Pormehr A, Shojaezadeh D. The effects of educational intervention for anxiety reduction on nursing staffs based on PRECEDE-PROCEED Model. Health Education and Health Promotion 2019;7:119-23